



گفتگو با رضا بابک

کودکی که کودک ماند

داوود کیانیان | تاریخ شفاهی یکصد سال تئاتر کودک و نوجوان در ایران

گفتگو با پیشکسوتان تئاتر کودک و نوجوان | به کوشش بنیاد نمایش کودک



کودکی کہ کودک ماند

بابک، رضا، ۱۳۲۴، مصاحبه‌شونده

کودکی که کودک ماند: گفتگو با رضا بابک / داوود کیانیان؛ به کوشش بنیاد نمایش کودک؛ با همکاری گروه اطلاع‌رسانی منابع دیداری و شنیداری معاونت پژوهش و فن‌آوری برنامه‌ریزی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. تهران: نشر ثالث، ۱۴۰۰.

۱۹۳ ص: مصور

تاریخ شفاهی یکصد سال تئاتر کودک و نوجوان در ایران: گفتگو با پیشکسوتان تئاتر کودک و نوجوان.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۷۰۸-۰

گفتگو با رضا بابک.

بابک، رضا، ۱۳۲۴،

نمایش کودکان و نوجوانان — ایران

نمایشنامه‌نویسان ایرانی — قرن ۱۴ — سرگذشته

نمایشنامه‌نویسان ایرانی — قرن ۱۴ — مصاحبه‌ها

نمایش — تهیه‌کنندگان و کارگردانان — سرگذشته

کیانیان، داوود، ۱۳۲۱، مصاحبه‌گر

بنیاد نمایش کودک

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. گروه اطلاع‌رسانی منابع دیداری و شنیداری
ردمبندی کنگره: PN۲۹۵۴

ردمبندی دیویی: ۷۹۲/۰۲۳۳۰۹۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۶۷۷۵۴



گفتگوی بارضا بابک

کودکی که کودک ماند

داوود کیانیان | تاریخ شفاهی یکصد سال تئاتر کودک و نوجوان در ایران

گفتگوی پیشکسوتان تئاتر کودک و نوجوان | به کوشش بنیاد نمایش کودک



کودکی که کودک ماند: گفتگو با رضا بابک

گفتگو: داوود کیانیان

ویرایش: شکوفه جودکی

صفحه‌آرایی: مهسا خوش‌نیت - فریدون سامانی

طراحی جلد: حمید باهو

مجموعه تاریخ شفاهی

چاپ اول: ۱۴۰۰ / ۳۳۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نشر ثالث

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۷۰۸-۰

ISBN: 978-600-405-708-0

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.

قیمت: ۷۲۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم

فروشگاه شماره یک: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۴۸

فروشگاه شماره دو: اتوبان شهید همت / مجتمع ایران مال / طبقه G3 / شماره ۱۸۳

فروشگاه شماره سه: پاسداران / میدان هروی / مجتمع هدیش مال

فروشگاه شماره چهار: خیابان فرشته / آقابزرگی / باغ ریشه / پ ۳۱

تلفن گویا: ۸۸۳۱۰۷۰۰ - ۸۸۳۱۰۵۰۰ - ۸۸۳۰۲۴۳۷ - ۸۸۳۰۲۴۳۶ - ۷

آدرس سایت: www.salesspublication.com

آدرس اینستاگرام: [salesspublication](https://www.instagram.com/salesspublication)

این مجموعه شامل هفت گفتگو است: بانو پروانه باغچه‌بان، رضا بابک، داوود کیانیان، بهرام شاه‌محمدلو، قطب‌الدین صادقی، رضا فیاضی و منصور خلیج، پیشکسوتان عرصهٔ تئاتر کودک و نوجوان.

با سپاس و همکاری:

ولی‌الله مرادی: (حمایت مالی)، منصور خلیج: مدیر اجرایی کتاب، مرجان سمندری معطوف: تنظیم و بازخوانی، فهیمه آزاده: کارشناس مصاحبه، فاطمه جبرائیلی: پیاده‌سازی متن، مرضیه‌سادات مقیمی: تایپ، سهیلا صفری: پیاده‌سازی متن.

با سپاس ویژه از آقای غلامرضا عزیزی: رئیس پژوهشگاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سرکار خانم شفیقه‌سادات نیک‌نفس: رئیس گروه تاریخ شفاهی و آقای محمد محمدی‌نیا: همکار اجرایی.

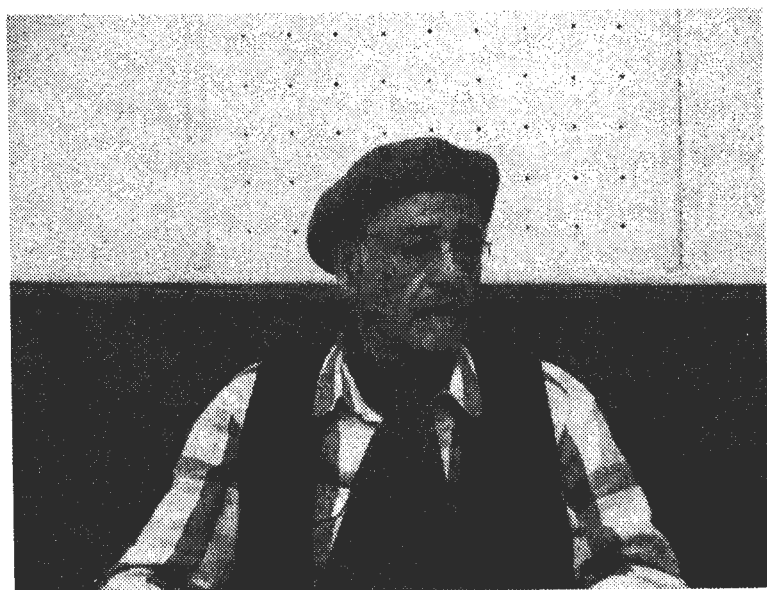
اعضای بنیاد نمایش کودک

دکتر یدالله وفاداری، دکتر یدالله آقاعباسی، مسلم قاسمی، عباس جهانگیریان، منوچهر اکبرلو، حسین فدایی‌حسین، داوود کیانیان، منصور خلیج و فائزه فیض‌شیخ‌الاسلام

فهرست

- به نام تصویرگر هر چه زیبایی است ۱۱
- مقدمه پژوهشگاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران ۱۷
- مقدمه بنیاد نمایش کودک ۲۱
- کودکی که کودک ماند ۲۳
- تصاویر ۱۸۱

گفتگو با رضا بابک



به نام تصویرگر هر چه زیبایی است

«گر در سرت هوای وصال است حافظا

باید که خاکِ درگه اهلِ هنر شوی»

مقال و مقوله هنر، از هر سنخ و صنفی، قدمتی به درازای تاریخ حیات بشری دارد. هنر کمالِ زیبایی است و انسان هم ذاتاً زیاجو و زیباخو و زیباپسند. از همین رو، حس زیبایی‌شناسی و زیبایی‌طلبی از آغاز با آدمی همراه و همزاد بوده است. هنر عصاره اندیشه‌هایی است که از عمق جان می‌جوشد و بر لوح هستی رخ می‌نمایاند. هنر در کُنه ذات و فطرتش دل‌نواز است و روح‌پرور، و هنرمند به پشتوانه چنین پیشینه‌ای دریچه‌ای از نشاط و شعف را فراروی دیدگان مشتاق می‌گشاید. از این منظر می‌توان هنر را دروازه تمدن بشر و شکوه خلاقیت نامید. هنرمندان در هر زمان و دوره‌ای، بخشی از تاریخ و تمدن ایران‌زمین را ورق زده‌اند و تورق این تاریخ سرشارِ آفرینش و زیبایی، چشمان تیزبین هر نظاره‌گری را به منظره‌هایی بکر و چشم‌نواز جلب و جذب می‌کند. ذهن و زبان این مفاخران قبیله احساس و پیشقراولان قافله دانش، لبریز اندیشه‌های ناب است که هر کدام به نوبه خود خاستگاه لطافت و ظرافت‌اند. آسمان بلند فرهنگ و هنر ایران‌زمین همواره پرستاره بوده و فروغ فرهنگ فرزانی ایرانیان همواره دل و دیده جهانیان را روشنی و گرمی بخشیده است.

پاسداشت اهالی سربلند هنر و هنرمندان نام‌آور اهل دل در واقع گسترش آیین تکریم و قدرشناسی در جامعه است؛ مفهومی ارجمند که چه بسا گاهی ناغافل از کنارش می‌گذریم و زمانی به خود می‌آییم که نه نشانی از هنر مانده است و نه ردی از هنرمند. هنرمندان پیشکسوت از جمله سرمایه‌های اجتماعی هستند که دانش، بینش و مهارت آن‌ها آمیخته با تجربه‌های گرانسنگی شده که می‌تواند چراغ راه آیندگان و علاقه‌مندان تمامی عرصه‌های هنری باشد. حضور و تنفس این روسفیدان موسپید در جامعه، به واسطه یادگارهای ماندگارشان، سرشار انگیزه و انرژی برای نسل‌هایی است که پایه‌های آثارشان بالیده و خاطرات خوشی را در ذهن و ضمیر خویش حک کرده‌اند.

پیشکسوتان عرصه هنر، در حقیقت باید نوعی ارتباط بین نسل‌های مختلف برقرار نمایند و با ثبت و ضبط تجربه‌های خود به نسل جوان و جویای هنرهای ناب کمک کنند. بر ماست که این گوهران ناب نایاب و معرفت وجودی آن‌ها را شناسایی کرده و در کسب معرفت از آنان یاری جویم تا خدای ناکرده آیندگان بر ما خرده نگیرند. ایران مهد بالنده فرهنگ و هنری است که سهمی شایان در بنیان‌های تمدن بشری دارد و نمایاندن گوشه‌های پنهان هنر و فرهنگ این سرزمین و پهنه ایران فرهنگی به همت و تلاش اساتید و سعی پیشکسوتان فراهم آمده که در راه اعتلایش از خود گذشته‌اند تا این شکوه فرهنگی را به جهانیان برسانند و این میسر نمی‌شود مگر با ثبت رویدادهای زندگی این هنرمندان. این سرزمین زرخیز در طول تاریخ هنرمندان زیادی را به خود دیده است، اما شاید مردم این سامان تعداد کمی از آن‌ها را به خاطر سپرده‌اند. به این دلیل که تجارب و خاطرات آن‌ها ثبت نشده، آن‌هم در جهان نوینی که قابلیت‌های آن فراتر از کاغذ و کتاب است. به عبارتی در چنین شرایطی، فیلم و صوت و فضای مجازی به صحنه آمده است. آیندگان ما را نمی‌بخشند اگر نتوانیم این تجربه‌ها را با چنین ابزارهای نوظهوری به دست آن‌ها برسانیم.

خوشحال و خرسندیم که دیرگاهی است نهضت کرامت هنرمندان آغاز شده

و مراکز فرهنگی، هر کدام بنا به حوزه مسئولیت و میزان توانایی خویش، نکوداشت هنرآفرینان و خالقان هنر را در دستور کار قرار داده‌اند. در این میان، خلأ کم‌توجهی به هنرمندان حوزه کودک- علی‌رغم نقش حساس و حیاتی‌شان- بیش از پیش احساس می‌شود. بدیهی است که ذهن و ضمیر کودک همچون لوح سفید نانوشته‌ای آماده پذیرش هر کنش و واکنشی است؛ بنابراین شخصیت انسان از کودکی شکل گرفته و با همان دیدگاه و اندیشه ترقی می‌یابد. این نکته ظریفی است که گاهی هم از لحاظ روانشناسی و هم از جنبه ثبات ذهنی نادیده گرفته شده و در درازمدت بر خمیره وجودی این موجود زنده، تأثیری منفی و چه بسا ناخوشایند می‌گذارد. ترویج توجه به هنرمندان «کودک‌کار» و «کودک‌ساز» موجب رشد تفکر و بالندگی نسل آینده می‌شود، نسلی که قرار است در پرتو داشته‌ها و اندوخته‌های ذهنی خود، به پویایی جامعه‌اش کمک کند. با مرور همین چند جمله کوتاه درمی‌یابیم رسالت هنر را در ساختن شخصیت کودکان دلبندمان.

کمتر کسی را می‌توان سراغ گرفت که با شنیدن «روزگارِ کودکی» گل خنده بر لبانش شکوفا نشود. هر گاه سفری ذهنی به آن دوران داشته باشیم حسی سرشار شوق و شر و شور تا اعماق وجودمان رخنه می‌کند. دنیای کودکی، رنگین‌کمانی از خوش‌خوشانِ خاطره‌هاست؛ دنیای لطیفِ شادمانی‌های بی‌سبب و روزگارِ قشنگِ نازک‌خیالی. روانشناسان بر این عقیده‌اند دورانِ خاطره‌انگیزِ کودکی درواقع شالوده‌ی شکل‌گیری شخصیت انسان است. به عبارت دیگر، رفتار آدمی در طول حیات به نوعی برآیند تمامی اتفاقات روزگارِ کودکی است؛ دورانی که لوح سفید روح و جان آدمی پذیرای هر نقشی است و هر نقشی که بر این لوح افتاد پاک‌نشدنی و فراموش‌ناشدنی است. با شنیدن واژه‌های نوستالژیک «کودک» و «کودکی»، ناخودآگاه خیال برمان می‌دارد و بی‌اختیار پرت می‌شویم به دوردست‌های صمیمیِ خواب و خیال و خاطره. معمولاً «خاطرات خوش» را با «یادش بخیر» به خاطر می‌آوریم و بدرقه می‌کنیم در مرور ثانیه‌های دلپذیرِ روزگارِ خوشِ گذشته‌های دلنشین و دل‌انگیزِ دلخواه‌مان.

علم و تجربه هردو این نکته را به اثبات رسانده‌اند که برای همدلی با کودک، باید کودک شد؛ همچنان که مولوی فرهیخته در کتاب فخیم و فاخرش یعنی «مثنوی معنوی» بر این نکته باریک‌تر از مو صیحه می‌گذارد: «چون سر و کار تو با کودک فتاد / هم زبان کودکی باید گشاد». برای شیرین ساختن دنیای کودکان، باید مفاهیم انسانی را با طراوت کودکی و با زبانی همدات‌پندارانه به این طیف سنی حساس و پراحساس منتقل کرد. از همین رهگذر، هنر به‌طور عام و هنرهای تصویری به‌طور خاص، در بارورسازی شخصیت انسان می‌تواند تأثیرگذار باشد و از این حیث حائز اهمیت است. چه بسیار نام‌ها و شخصیت‌های صاحب‌سبکی که در این ژانر هنرنمایی کردند و در قاب لحظه‌ها ماندگار شدند. یکی از این هنرمندان کاربلد و بازیگران توانا، «رضا بابک» است که سال‌ها برای کودکان بازی کرد و لحظات شاد و شیرینی را برای‌شان رقم زد. شخصیتی قابل احترام که علاوه بر نقش‌آفرینی در عرصه هنرهای نمایشی، دستی بر آتش نوشتن دارد و گهگاهی هم شاعرانگی‌هایش را بر صفحه کاغذ جاری می‌سازد. بازیگر توانایی که آثار خاطره‌انگیزی از قبیل: کودکانی از آب و گل، به رنگ ارغوان، گل پامچال، چریکه تارا و فروشگاه را در کارنامه فعالیت‌های پر بار و ماندگارش دارد.

رضا بابک به واسطه روح جستجوگر و میمیک چهره‌اش چنان می‌نماید که کودکی است در گذار عمر؛ فارغ از سن شناسنامه‌ای اما کودک درونش همچنان پویاست و بساط شیطنت و طنزهایش همچنان به راه. حس معصومیت و سادگی در چهره‌اش موج می‌زند و کودکی‌اش را با مثل و مثل سر کرده است. ذهن کودکان دیروز، مملو از خاطرات هنرمندانه هنرمندی‌ست که وجهه بارز شخصیت هنری‌اش، هنرنمایی برای این نسل بازیگوش پر جنب‌وجوش است. او که با نمایش «کدو قلقلی و دیو» هم‌کلاسی‌هایش را به میهمانی لبخندهای از ته دل بُرد، کام بچه‌ها را با «عسل‌ها و مثل‌ها» شیرین کرد. از «بازیخونه» به «هیجان در سپیده‌دم» رسید و در صحنه «تُرب» خوش درخشید. با «قصه‌های

تابه‌تا» همچون زی‌زی گولوی شیرین‌زبان در قلب کودکان سرزمین ایران جاودانه شد و «زیر گنبد کبود» به «خونه مادر بزرگه» رفت تا حکایت «خرس و کوزه عسل» را برای کوچولوهای نجیب نازنین نازک طبع بازگو کند.

کتاب پیش‌رو، یکی از بی‌شمار آثار است که به زیور طبع آراسته شده تا تجربیات هنرمندانی از تبار آئینه و لبخند را به مخاطب ارزانی دارد. هنرمندانی که به گواه تاریخ، در زمره بهترین‌ها هستند و همچنان در یادها و خاطره‌ها جاودانه می‌مانند. کتاب وزین «کودکی که کودک ماند» در حقیقت یادنامه «رضا بابک» نازنین است؛ ارج‌نامه‌ای برای سپاس از یک عمر هنرآفرینی این پیشکسوت توانای بازیگری، نویسنده دغدغه‌مند و کارگردان خاطره‌های دوران کودکی کودکان ایران. کتابی که حرف حرف و واژه واژه‌اش، ما را به گذشته‌های دور و دراز می‌برد و خاطره‌بازی با خاطرات خاطره‌ساز خاطره‌های مان. رضا بابک در این کتاب، از تجربیات و فعالیت‌هایش در حوزه کودک می‌گوید و دریچه دیگری از توانمندی‌های هنرمندانه‌اش را به روی مخاطب می‌گشاید؛ گفته‌های ارزشمندی که به نوعی پرده از تاریخچه تئاتر کودک و نوجوان در ایران برمی‌دارند و خود تاریخ‌گویی در این زمینه محسوب می‌شوند. رضا بابک همیشه خندان و دل‌بزرگ، گنجی است گرانبها از گنجینه‌های هنر میهن سربلندمان که آرزو مندیم تا دنیا دنیاست سایه‌اش بر سر هنر و فرهنگ میهن مان مدام و مستدام باد.

«مؤسسه هنرمندان پیشکسوت» به‌عنوان متولی تکریم این قشر فرهیخته و فرهنگ‌مدار، از جمله برنامه‌ریزی‌هایی که انجام داده ثبت تاریخ شفاهی و تجربه زیستی این هنرمندان است که به‌صورت مکتوب در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. از این بابت به خود می‌بالیم که توانسته‌ایم علاوه بر رسالت ذاتی مؤسسه، در حد ضرورت و امکان، قدمی هرچند کوچک اما ماندگار در گرامی‌داشت پیشکسوتان هنر برداریم.

جا دارد از مجموعه دوستداران فرهنگ و هنر ایران‌زمین در «بنیاد نمایش

کودک»، «کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران» که این خاطرات را با علاقه و سعه صدر ثبت و ضبط کردند تشکر نمایم، همچنین قدردانی ویژه از «جناب آقای محمدعلی جعفریه» مدیر محترم انتشارات ثالث که برای چاپ شایسته آثاری از این دست همت به خرج دادند. بیکران سپاس از نویسنده و پژوهشگر هنر و ادبیات، خاصه حوزه کودک و نوجوان، جناب مستطاب «داوود کیانیان» عزیز که عاشقانه چنین اثر نابی را به رشته تحریر درآوردند. قدرشناسی ویژه از صمیمیت بیانِ راویِ این اثر شایسته؛ «رضا بابک»، که طبع اثر حاضر، حاصلِ واگویی‌های چون در و گوهر اوست. باشد که مقبول نظر دوستداران هنر و هنرمندان واقع شود. امیدوارم هنرمندان صاحب‌نام و دانش‌گستران صاحب‌سبک را در زمان حیات‌شان دریابیم و از گنجینه نهفته در ذهن و ضمیرشان بهره بگیریم تا در پیشگاه جان‌های آگاه سرافکنده نباشیم.

نیکنام حسین‌پور

مدیرعامل مؤسسه هنرمندان پیشکسوت

آذرماه ۱۴۰۰

مقدمه پژوهشگاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

قریب به سه دهه است که سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در زمینه تهیه و تدوین طرح و مصاحبه تاریخ شفاهی فعالیت دارد و از این رهگذر تاکنون با بیش از ۷۵۰ نفر از شخصیت‌های مؤثر در حوزه‌های مختلف سیاسی، هنری، فرهنگی و علمی بیش از سه هزار ساعت مصاحبه کرده است. بر این مقدار باید حداقل مدت هزار ساعت مصاحبه انجام‌شده در مدیریت‌های دوازده‌گانه سازمان اسناد و کتابخانه ملی در استان‌ها را هم افزود که در حوزه تاریخ محلی به مصاحبه با شخصیت‌های اثرگذار تاریخ معاصر می‌پردازند.

فعالیت تاریخ شفاهی در سازمان اسناد ملی در ۱۳۷۱ آغاز شد و در طول زمان و در تشکیلات نوین سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران تداوم یافت. از این رو این سازمان را می‌توان جزء پیشگامان این حوزه پژوهشی در ایران دانست که با توجه به ماهیتش از سویی مرجع آرشیو و علوم آرشیوی برای دستگاه دولت و از سوی دیگر مرجع علوم اطلاعات و دانش‌شناسی بوده است و هدف آن سازمان در حوزه پژوهش تاریخ شفاهی، نیز پاسخگویی به جمیع مخاطبان پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در حوزه‌های گوناگون سیاسی، علمی، فرهنگی و هنری بوده است.

در آرشیو ملی ایران پیشینه چشمگیری در باب تاریخ هنرهای نمایشی، وجود دارد تا آنجا که بالغ بر دو هزار عنوان سند با موضوع نمایش و تئاتر در گنجینه اسناد این سازمان نگهداری می‌شود. و به پشتوانه همین اسناد در ۱۳۸۱ کتاب دوجلدی *گزیده اسناد نمایش در ایران (از انقلاب مشروطیت تا ۱۳۲۰)* با استفاده از این گنجینه به چاپ رسید. همچنین کتاب *نمایش در تبریز از انقلاب مشروطه تا نهضت ملی نفت* نیز در ۱۳۸۲ از مجموعه اسناد ملی در استان آذربایجان شرقی در تبریز به چاپ رسید. گذشته از اسناد دولتی، در مجموعه اسناد اهدایی نیز اسناد اهدائی جبار باغچه‌بان، یکی از مجموعه‌های مهم در زمینه اسناد نمایش در حوزه تئاتر کودکان و نوجوانان است که مبنای پژوهش‌های مهمی در این زمینه قرار گرفته است.

در مجموعه‌های تاریخ شفاهی نیز پیش از این در سه مقطع زمانی به این موضوع توجه شده و مصاحبه‌های گسترده‌ای صورت گرفته است. یک بار در سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶ که مهم‌ترین مصاحبه‌شوندگان آن عبارت بودند از علی‌اصغر گرمسیری، غلامحسین نقشینه، مرتضی احمدی، ساموئل خاچیکیان، ولی‌الله خاکدان، نصرت‌الله کریمی، توران مهرزاد، رقیه چهره‌آزاد، مهری مهرنیا و جمعی دیگر از بزرگان. پس از آن دوباره در ۱۳۸۴ به این موضوع توجه شد و مصاحبه با هنرمندان نمایش چون جمشید لایق، جعفر والی، اسماعیل شنگله، فهیمه راستکار، محمدعلی کشاورز صورت گرفت.

بار سوم در سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ بود که در قالب پروژه بزرگ تاریخ شفاهی، با تعدادی از هنرمندان عرصه نمایش مصاحبه به عمل آمد که مهم‌ترین مصاحبه‌شوندگان عبارت بودند از علی نصیریان، عزت‌الله انتظامی، قطب‌الدین صادقی، داوود رشیدی، داریوش فرهنگ، محمدعلی نجفی و ...

همچنین در ادامه این مصاحبه‌ها دو طرح «تاریخ شفاهی سینمای ایران به روایت نسل دوم کارگردانان مؤلف سینما» و «تاریخ شفاهی سینمای ایران به روایت نسل دوم بازیگران سینما» نیز تهیه شده است که در فرصت مناسب در برنامه اجرا قرار خواهد گرفت.

در تکمیل موجودی یادشده، بر اساس تفاهم‌نامه سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با بنیاد نمایش کودک، طرح تاریخ شفاهی تئاتر کودک و نوجوان از سوی آقای داوود کیانیان در دست اجرا است که مصاحبه با ۲۰ تن از پیشکسوتان نمایش کودک و نوجوان را در دستور کار دارد. تا کنون با اغلب هنرمندان اثرگذار این صحنه، مصاحبه صورت گرفته است. از این دسته هنرمندان می‌توان به نام رضا بابک، رضا فیاضی، داوود کیانیان، احمد بیگلریان، عباس جهانگیریان، مسلم قاسمی، قطب‌الدین صادقی، منصور خلج، عادل بزوده، حسن دادشکر، بهرام شاه‌محمدلو، رضا کیانیان، مجتبی کاظمی، مهدی قلعه، ناصر آویژه، امیر مشهدی‌عباس، مجتبی مهدی و نیز سرکار خانم‌ها پروانه باغچه‌بان، سوسن مقصودلو، هما جدیکار، لاله مال میر، فائزه فیض و مریم کاظمی اشاره کرد. ایده تهیه تاریخ شفاهی نمایش کودک و نوجوان ابتدا به وسیله بنیاد نمایش کودک به سازمان پیشنهاد شد که پس از ارزیابی و طی مراحل اداری نسبت به اجرای طرح در قالب تفاهم‌نامه بین سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و بنیاد نمایش کودک تصمیم‌گیری شد که این تفاهم‌نامه ذیل توجهات فرهنگ‌دوستانه سرکار خانم دکتر اشرف بروجردی، ریاست محترم سازمان اسناد و کتابخانه ملی در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۹۷ در مراسمی با حضور جمعی از هنرمندان و پژوهشگران حوزه نمایش کودک به نمایندگی آقای غلامرضا عزیزی از جانب سازمان و آقای داوود کیانیان از جانب بنیاد و با حضور حامی مالی طرح، آقای ولی‌الله مرادی بجستانی در ساختمان آرشیو ملی‌سالن پرهام به امضا رسید و از آن تاریخ تا کنون که شانزده ماه از آغاز آن گذشته است بیش از سی جلسه مصاحبه تاریخ شفاهی با موضوع تئاتر کودک برگزار شده است.

مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در این سازمان در استودیوی تاریخ شفاهی به صورت صوتی و تصویری ضبط شده و مراحل پیاده‌سازی، فهرست‌نویسی، ثبت اطلاعات کتابشناختی در نرم‌افزار رسا، اطلاع‌رسانی حضوری برای آن‌ها انجام می‌شود. همه پژوهشگران علاقه‌مند به این دسته از منابع با عضویت در کتابخانه

ملی می‌توانند به صورت کتابخانه مرجع از این منابع استفاده نمایند. هر گونه اطلاع‌رسانی منابع تاریخ شفاهی در این سازمان منوط به شرایط دسترسی اعلام‌شده از سوی مصاحبه‌شوندگان به سازمان است و سازمان خود را مکلف و ملزم به رعایت این شرایط می‌داند.

و سپاس از نیکنام حسینی پور مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشکسوت که با همت و یاری او این کتابها به دست انتشار سپرده شد تا در دسترس علاقمندان قرار گیرد.

و تشکر از محمد علی جعفریه مدیر نشر ثالث که با عنایتش کتابها به زیور چاپ آراسته شدند.

و با ابراز ارادت به هنرمندان پیشکسوت که با صرف وقت و حوصله توفیق مصاحبه به ما دادند و عکسها و مدارک ارزشمند خود را از فعالیت های تئاتری اشان برای کودکان و نوجوانان در اختیار ما گذاشتند.

مجموعه حاضر، اولین مجلد از مجموعه مصاحبه‌های تاریخ شفاهی تئاتر کودک و نوجوان است که به همت بنیاد نمایش کودک منتشر گردیده است. این مصاحبه‌ها در گروه تاریخ شفاهی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ضبط و ثبت شده است.

امید است که این اقدام مشترک، قدم مؤثری در جهت حفظ هویت فرهنگی و هنری کشور عزیزمان، ایران و راهگشای پژوهشگران تاریخ معاصر باشد.

مقدمه بنیاد نمایش کودک

اگر آغاز تئاتر کودک را ۱۲۹۸ش در نظر بگیریم که زنده یاد جبار باغچه بان با بچه های مدرسه «احمدیه» در مرنند نمایش «خُرخر» را روی صحنه برد، اینک ما در آغاز قرن دوم این پدیده مهم هنری و فرهنگی قرار داریم. این جریان فرهنگی، تدوین تاریخ یک قرن خود را می طلبد، فرهنگنامه خود را می خواهد و پژوهش هایی را می طلبد که در کمیت و کیفیت آن به جستجو بپردازند.

آنچه پیش روی شما است نخستین مجموعه از کتاب هایی است که در طرح تاریخ شفاهی تئاتر کودک و نوجوان منتشر می شود. این طرح می کوشد زندگی، آثار، شیوه های آموختن و آموزش دادن های هنرمندان پیشکسوت تئاتر کودک را جمع آوری، تدوین و انتشار دهد تا تجربیات آن ها به کار نسل های بعد بیاید و چه نیکو که آغازگر این مجموعه، پروانه باغچه بان، فرزند برومند زنده یاد جبار باغچه بان است، که او خود آغازگر این حرکت فرهنگی هنری است. این مجموعه مروری است بر زندگی، به ویژه کودکی با تمرکز بر فعالیت های این هنرمندان در حوزه تئاتر کودک و نوجوان. امید است دیگر فعالیت های هنری و اجتماعی این هنرمندان نیز توسط دیگر پژوهشگران تدوین و منتشر شود.

در مسیر به ثمر رسیدن این کتاب همراهانی داشته ایم. سپاس فراوان داریم از آقای غلامرضا عزیزی رئیس پژوهشکده، خانم شفیقه سادات نیک نفس رئیس

گروه تاریخ شفاهی مرکز اسناد و کتابخانه ملی، و با سپاس ویژه از ولی الله مرادی بجهستانی که با حمایت بی دریغشان ما را در ضبط و انتشار این مجموعه یاری کردند.

و اما اگر نبود نظارت و همراهی گام به گام اعضای بنیاد نمایش کودک این فعالیت نمی توانست به ثمر برسد. آنان که در طول چند سال در طرح، اجرا، ویراستاری و انتشار این مجموعه صمیمانه راه را هموار کردند.

دکتر یدالله وفاداری، دکتر یدالله آقاعباسی، منصور خلج، مسلم قاسمی، عباس جهانگیریان، منوچهر اکبرلو، حسین فدایی حسین، داوود کیانیان و خانم فائزه فیض شیخ الاسلام.

بنیاد نمایش کودک

مهر ۱۳۹۸

کودکی که کودک ماند

● به نام خدا. در خدمت هنرمند ارزنده و پیشکسوت تئاتر کودکان و نوجوانان ایران آقای رضا بابک هستیم. بازیگر، نویسنده، کارگردان، صداپیشه، دوبلور، مسئول تولید فیلم، نقاش و شاعر. سلام!

○ متشکرم، من هم خدمت شما سلام دارم و به همه دوستانی که زحمت می‌کشند که این اتفاق خوب و زیبا به بار بنشیند و این خاطرات گفته، ثبت و ضبط شوند. به هر حال تاریخ است و باید به آن توجه کرد. من در خدمت شما هستم.

● از کودکی و نوجوانی خود شروع کنید، چه سالی و کجا به دنیا آمدید؟
○ کودکی و نوجوانی! بله حالا باید خیلی جستجو کنم. کانالی به گذشته بزنم. من خیلی وقت پیش به دنیا آمدم. خود دنیا آمدنم را یادم نمی‌آید وای، آخه تنها یک ثانیه از عمرم گذشته بود...

● از همان‌جا که یادتان می‌آید یا برای تان گفته‌اند، برای ما بگویید.

○ من در تهران متولد شدم در خیابان عباسی بالا. خیابان عباسی موازی نواب بود، بالای خیابان قزوین. یادم است ته خیابان عباسی، دیوار بلندی بود. دیوار کارخانه کبریت‌سازی بود شاید. دیواری پنج شش متری داشت. من از دو یا سه سالگی که دست چپ و راستم را شناختم، جالب‌ترین چیزی که به خاطرم مانده این بود: ما آخرین کوچه بودیم. وقتی از کوچه می‌آمدیم به خیابان با مادر یا پدر، من این دیوار را می‌دیدم؛ آن وقت فکر

می‌کردم خانه ما در آخر دنیا قرار گرفته و این دیوار ته دنیا است، واقعاً چنین تصویری داشتم.



● قد کوچک و دیوار بلند!

○ آدم کوچولو و دیوار خیلی بلند، من فکر می‌کردم دیگر این‌جا تمام می‌شود این دنیایی که ما تویش زندگی می‌کنیم. تصورم این بود که دنیا مسطح است و من در آخرین خانه جهان زندگی می‌کنم.

● ولی دیدید که شروع شد.

○ به هر حال شروع شد و ما زندگی کردیم. یک خانه داشتیم قد یه غریب، با یه درخت، قد یه چوب‌کبریت.

● چه سالی متولد شدید؟

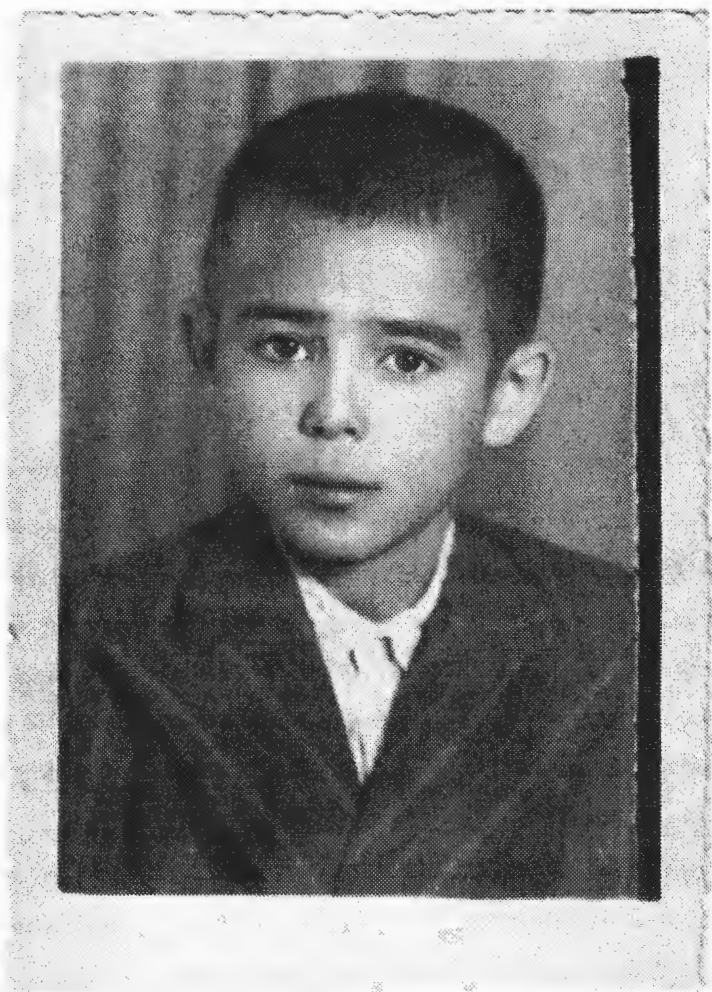
○ ۱۳۲۴، اسفندماه بود.

۲۵ - سن
 ۲۶ - سن
 ۱۳۲۴ - سن
 ۱۳۲۵ - سن
 ۱۳۲۶ - سن
 ۱۳۲۷ - سن

● چندم اسفند؟

○ بیستم. بیستم اسفند بود که به دنیا آمدم. خدمتتان عرض کنم که سه طبقه خانه بود، البته با زیر زمینش می شد سه طبقه، زیرزمینش هم مسکونی بود. سه خانواده بودیم که آنجا زندگی می کردیم. مادر بزرگم با دایی ام بود و خاله هایم با آنها بودند. یک خاله دیگرم که ازدواج کرده بود در طبقه بالا بودند. طبقه وسط هم من و مادرم خانم کبرا سرداری و پدرم محمد فشنگچی و دو خواهر بزرگتر از خودم به نام های ایران و توران زندگی می کردیم. حضور مادر بزرگ برای من خیلی دلگرم کننده بود؛ چون به هر حال من در کودکی با خانواده ای زندگی می کردم که کاملاً سستی بودند و اعتقادات مذهبی داشتند. البته دایی من سستی نبود. ایشان جوان بود. رفته بود در هتل دربند هم استخدام شده بود. او افکار خیلی نویی داشت که خیلی روی من تأثیر گذاشت، از بچگی؛ حتی در لباس پوشیدن من تأثیر

داشت. مثلاً اولین بار من دیدم دایی‌ام کراوات زده است. اولین بار دیدم دایی من از این سوسپنדרها، این بند شلوارها استفاده می‌کند. از همین‌ها که من بسته‌ام، ببینید. او ریشش را می‌تراشید و از ادکلن و کِرم استفاده می‌کرد. نامش حسین سرداری بود.



کودکی

● دایی شما در هتل دربند چه کار می‌کرد؟

○ کارمند هتل دربند بود. شوهر خاله‌ام هم آن‌جا کار می‌کرد. آن زمان هتل دربند و چند هتل دیگر زیر نظر سازمانی به نام بنیاد پهلوی بودند و ایشان آن‌جا کار می‌کرد. در این هتل‌ها اغلب خارجی‌ها می‌آمدند، گاهی کنسرت‌های مختلفی هم آن‌جا برگزار می‌شد. ما گاهی اوقات به خانه خاله‌ام که بالای هتل دربند، روی کوه بود، می‌رفتیم و از لای درخت‌ها یواشکی تماشا می‌کردیم که آن‌جا خارجی‌ها نشسته بودند و موسیقی فرنگی هم نواخته می‌شد. گاهی آن‌ها با هم تانگو یا والس می‌رقصیدند و مادر من هم صورتش را می‌کند و می‌گفت: «بین مرد و زن دارند با هم دانس می‌دهند. عیب» اما تماشا می‌کرد و شاید بدش هم نمی‌آمد. از این واژه‌های فرانسوی آن وقت‌ها استفاده می‌شد. خاله من که جوان‌تر بود و تازه هم ازدواج کرده بود، بچه‌ها را جمع می‌کرد و می‌گفت، برویم تماشا کنیم و حال کنیم. ایشان را ملوک خاله‌جون صدا می‌کردیم. خاله خوشبختانه حیات دارند ولی پیر شده‌اند.

● این برنامه‌ها چقدر روی شما تأثیر داشت؟

○ به هر حال بی‌تأثیر نبودند. اولین بار آن‌جا بود که رقص و موسیقی می‌شنیدم و می‌دیدم. آن زمان ساختمان اداری بنیاد پهلوی در خیابان پاستور بود که سینمای خصوصی هم داشت و در آن‌جا فیلم‌های مصری، هندی و روسی نشان می‌دادند. فیلم‌های مشهور روسی را من آن‌جا دیدم؛ مثل حماسه یک سرباز و چهل و یکمین. آن اداره درست کنار کاخ شاه بود و همان‌طور که گفتم بعضی از هتل‌ها زیر نظر بنیاد پهلوی اداره می‌شدند. دایی من هم در هتل دربند کار می‌کرد. آن زمان به کارمندهایشان بلیت می‌دادند که با خانواده‌های خود بیایند و فیلم ببینند. من یک‌سری فیلم‌های اسماعیل یاسین، کم‌دین مصری را هم آن‌جا دیدم. یا فیلم‌های راج کاپور، فیلم‌های روسی را که خیلی هم خاص بودند، فیلم‌های بعد از جنگ، بعد